

معارف و حیانی ۲

سیدان، سیدجعفر؛ معارف و حیانی؛ مجموعه مقالات، درس گفتارها، گفتگوها و مناظرات؛ قم: دلیل ما، ۱۳۹۲، دو جلد، ۹۸۰ صفحه.

فلاطوری و محمدرضا حکیمی نسبت می‌دهد (معارف و حیانی، صص ۷۰۴، ۶۷۶، ۵۲۱، ۵۱۰). آن‌گاه ترجیح می‌دهد که آن را «روش فقهای امامیه» بنامد. (همان، ص ۷۰۴).

دکتر احمد مهدوی دامغانی نیز که از طریق پدر بزرگوارش شیخ محمدکاظم دامغانی با میرزای اصفهانی و شاگردانش آشناست، در گفتاری تعبیر «مکتب عترت» را به جای آن پیشنهاد می‌کند.^۲ انتخاب عنوان «معارف و حیانی» برای این کتاب نیز بازتاب همین نظرهاست.

۳. نسبت‌هایی به این مکتب داده می‌شود که برخی از گویندگان آنها منابع گروه اول و دوم از آثار میرزا و شاگردانش را به خوبی و ژرفای لازم ندیده‌اند. در این میان نشر مجموعه‌ای از ۳۵ نوشتار کوتاه و بلند در این مورد از استاد حوزه علمیه خراسان، فرصتی مغتنم برای آشنایی با این گروه از اندیشه‌هاست.

۴. روشن است که صاحب این قلم خود را در حدی نمی‌بیند که درباره این‌گونه مطالب به صورت تخصصی اظهار نظر کند. این قلم‌انداز بیشتر با هدف اطلاع‌رسانی نسبت به یک کتاب جدید نشر می‌یابد و ساختار و روشمندی آن را در نظر دارد، پس نقدهای محتوایی در این مورد باید پس از این انتشار یابد.

[۲]

آشنایی با مؤلف

آیت‌الله سیدجعفر سیدان در سال ۱۳۱۳ شمسی در مشهد زاده شد. پس از دروس مقدماتی در مکتب‌خانه درس‌های زیر را نزد استادان خود

چکیده: کتاب «معارف و حیانی» مجموعه‌ای از مقالات، درس گفتارها، گفتگوها و مناظرات جعفر سیدان است که انتشارات دلیل ما در سال ۱۳۹۲ در دو جلد انتشار داده است. نویسنده در نوشتار حاضر به معرفی کتاب مذکور، همت گماشته است. از این رو، پس از ذکر مقدمه‌ای کوتاه از زندگی نامه و آثار مؤلف کتاب، عناوین مطالب کتاب را مطرح و مروری کوتاه بر درون‌مایه آن دارد. در نهایت، با شمارش امتیازهای کتاب و بیان پیشنهادهایی برای گام‌های آینده، نوشتار را به پایان می‌رساند. کلیدواژه‌ها: کتاب معارف و حیانی، جعفر سیدان، معرفی کتاب.

[۱]

مدخل

از سال ۱۳۷۲ که استاد محمدرضا حکیمی با نگارش مجموعه «مکتب تفکیک» و نشر آن در ماهنامه کیهان فرهنگی، واژه‌ای جدید شناسانید و در پی آن فضایی نوپدید در صحنه پژوهش دینی کشور پدید آورد، بیش از بیست سال می‌گذرد.

امروز با مرور کتاب مرجع «کتابشناسی توصیفی مکتب تفکیک»^۱ می‌توان دید که چه مقدار از منابعی که در مورد مکتب معارفی خراسان نوشته شده است به این دوره زمانی از می‌گردد. گذشته از اینکه چه درصدی از این مدخل‌ها ارزش علمی دارند و اختلاف نظرهای موجود در مورد این مکتب، نفس توجه به این نظام اندیشگی نشانه‌ای است از فضایی دیگر در دنیای اندیشه و پژوهش دینی.

۲. اطلاق عنوان «مکتب تفکیک» بر مجموعه اندیشه‌های مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۰۳-۱۳۶۵ ق) و نسل اول و دوم شاگردانش سال‌ها مورد اختلاف نظر میان مخالفان و موافقان این مجموعه بوده و هست. برای نمونه آقای سیدان بدون قبول مسئولیت در مورد این نامگذاری، آن را به توضیحات مرحوم دکتر عبدالجواد

۱. با مقدمه محمدرضا حکیمی، نوشته هادی ربانی؛ قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، ۱۳۹۲.

۲. روزنامه اطلاعات، ۱۴ بهمن ۱۳۹۲ ص ۶.

فرا گرفت:

ادیب نیشابوری ثانی: ادبیات عرب و معانی و بیان
میرزا احمد مدرس: معالم، قوانین و شرح لمعه
شیخ هاشم قزوینی: رسائل و مکاسب و کفایه
سید محمد هادی میلانی: دروس خارج فقه و اصول
شیخ مجتبی قزوینی: دروس فلسفه (شرح منظومه، شرح اشارات،
اسفار، مشاعر)، معارف و عقاید، اخلاق.

وی افزون بر این از محضر دیگر شاگردان مرحوم میرزا مهدی اصفهانی بهره‌ها برده است.

سیدان سال‌ها در حوزه علمیه مشهد به افاده و تربیت اشتغال داشته و دارد. او بخش‌هایی از زندگی علمی خود را در مصاحبه‌های مختلف و گاه در کنار بیان شرح حال استادان و معاصران خود بیان کرده است.^۳

ده‌ها سال تدریس به شاگردان، مناظره با دیگران و خطابه برای عموم سبب شده تا ایشان در بیان مسائل علمی، ذهنی توانمند، بیانی منظم و روان و به دور از پیچیدگی‌های رایج داشته باشد. ایشان با همین قلم و بیان آثار مکتوبی دارد که ۶۳ مورد از آنها در قالب کتاب، رساله، مقاله، مصاحبه، سخنرانی و درس‌گفتار در کتاب کتابشناسی توصیفی مکتب تفکیک (نوشته هادی ربانی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۲) در صفحات ۱۷۶ تا ۱۸۶ همراه با توصیف آمده است. همین آثار به تفصیل بیشتر و بدون توصیف در معارف و حیانی صفحات ۲۵-۳۱ آمده است. برخی از این آثار مکتوب چنین است:

۱. آیات العقائد، دو جلد، تفسیر چند آیه در توحید

۲. تحقیق و تعلیقات بیان الفرقان، شیخ مجتبی قزوینی

۳. دروس اعتقادی، یک دوره مباحث اعتقادی

۴. معاد، درس‌گفتارهایی در باب معاد

۵. توحید از نگاه وحی، فلسفه و عرفان.

۶. همچنین چند رساله جداگانه از تقریرات مباحث ایشان به قلم جعفر فاضل خراسانی منتشر شده است؛ مانند: اتحاد عاقل به معقول (۳۲ ص)، اصالت وجود یا ماهیت؟ (۴۲ ص)، اراده (۵۸ ص)، قدرت (۳۶ ص)، تجلی و فناء فی الله (۵۲ ص)، تفکر در ذات حق (۳۸ ص)، حدود عالم (۱۱۷ ص)، سنخیت (۸۰ ص)، فاعلیت حق (۳۶ ص)، معاد (۱۴۴ ص).^۴

این ده عنوان رساله خود مانند دانشنامه‌ای از مکتب معارف (بیش از ۶۰۰ صفحه) در موضوع‌های مختلف است.

[۳]

۳. معارف و حیانی، صص ۴۷۲ و ۴۷۳-۵۳۴-۵۳۵، ۶۱۳ تا ۶۷۳، گفتار ۲۶ تا ۳۱.

۴. رساله معاد، نوشتار ۱۲ همین کتاب است (دفتر اول، صص ۲۹۹ تا ۴۰۴).

آشنایی اجمالی با کتاب

کتاب معارف و حیانی مجموعه‌ای از مقالات، درس‌گفتارها، گفت‌وگوها و مناظرات آیت‌الله سید جعفر سیدان است که انتشارات دلیل ما در اواخر سال ۱۳۹۲، در دو جلد و ۹۸۰ صفحه در هشتاد سالگی نویسنده آن انتشار داده است. نظارت بر تدوین و ویرایش مجموعه را آقای محمد بیابانی اسکویی بر عهده داشته که از صاحب‌نظران و صاحب‌قلمان نام‌آور این حوزه است. این نظارت سبب اعتماد خواننده می‌شود که بدانند مجموعه‌ای قابل استناد در دست دارد.

پس از دو مقدمه شامل شرح حال و آثار مؤلف، ۳۲ عنوان مطلب در موضوع‌های مختلف وابسته به معارف آمده است. دوازده عنوان در مجلد اول و بقیه مطالب در مجلد دوم عرضه شده است.

عناوین مطالب چنین است:

دفتر اول

بخش یک: مقالات و درس‌گفتارها

۱. روش ما در گفت‌وگوهای علمی / ص ۳۵

۲. میزان شناخت / ص ۴۹

۳. توحید / ص ۶۹

۴. شرح خطبه ۱۵۲ نهج البلاغه / ص ۹۱

۵. جبر و تقویض / ص ۱۵۱

۶. جبر و اختیار از دیدگاه مکتب وحی و مکاتب بشری / ص ۱۷۷

۷. قاعده «الواحد لا یصدر عنه الا الواحد» / ص ۲۰۳

۸. عقل تفکیکی / ص ۲۳۳

۹. تفسیر مصباح الهدی نماد تلازم قرآن و عترت / ص ۲۳۷

۱۰. بحثی تحلیلی در عقاید و هابیت / ص ۲۴۵

۱۱. الفوائد النبویه / ص ۲۷۹

۱۲. معاد / ص ۲۹۹

دفتر دوم

بخش دوم: گفت‌وگوها

۱۳. فلسفه اسلامی: هستی و چیستی / ص ۴۲۳

۱۴. مکتب تفکیک و تمایز آن با فلسفه و عرفان / ص ۴۵۱

۱۵. مکتب تفکیک یا روش فقهای امامیه در فهم معارف حقه / ص ۴۷۷

۱۶. راه و روش معرفتی اهالی تفکیک / ص ۴۹۵

۱۷. مکتب تفکیک / ص ۵۰۳

۱۸. مکتب مشهد / ص ۵۰۹

۱۹. نقد تفکیک / ص ۵۱۹

۲۰. درآمدی بر اصول در مکتب تفکیک / ص ۵۳۱

۲۱. نمی‌شود عقل را انکار کرد / ص ۵۴۷

۲۲. نگاهی به تعلیقات بیان الفرقان / ص ۵۵۹

شمارگان محدود منتشر شده بود، از امتیازات کتاب است.

۲. سوابق علمی مؤلف، درس گرفتن متون عمده فقه و اصول و فلسفه نزد استادان میرزه و تسلط او بر مبانی و مفاهیم و منابع در زمینه‌های مختلف مانند فقه، اصول، فلسفه، ادبیات و تفسیر. این جامعیت به او کمک کرده تا بحث را به شیوه تطبیقی پیش ببرد و دورنمای روشنی ارائه کند. همچنین انتشار کتاب در سن پختگی، هشتاد سالگی، استواری نویسنده در دیدگاه‌های خود را نشان می‌دهد.

۳. حضور ایشان در میان طبقات مختلف مردم نکته‌ای دیگر است. کم نیستند دانشوران دقیق‌النظر که مرادوات آنها منحصر به طبقه‌خواص است، بنابراین از سویی برای گزینش مطالب مفید برای مخاطبان متنوع و از سویی برای بیان مطالب به زبان ساده توان ندارند، ولی آقای سیدان بارها در جلسات متعدد شرکت کرده است؛ از جلسات مناظره با منکران اصل توحید تا منابر عمومی در شهرهای مختلف^۶ و تدریس عقاید در سطوح عالی حوزه در مشهد و قم و مناظره‌های متعدد با شخصیت‌های علمی.^۷

۴. ورود به بعضی مباحث ابتکاری مانند تبیین جایگاه و دیدگاه میرزا مهدی اصفهانی در علم اصول. نویسنده به این سخن رایج که او را اخباری و مکتب او را نوعی اخباریگری می‌داند پاسخ می‌دهد (نوشتار ۲۰، ص ۵۳۱ تا ۵۴۵). این مطلب از آن جهت اهمیت دارد که بیشتر بحث‌هایی که درباره مرحوم میرزای اصفهانی گفته شده ناظر به حوزه عقاید بوده نه حوزه اصول فقه.

۵. سلامت بیان از درشت‌گویی و قضاوت‌های نابجا که معمولاً ادبیات نقد و در فضای علمی ما بدان آلوده است. در این مورد نویسنده به هفت نکته در آداب بحث علمی تذکر می‌دهد که بسیار مفید است (ص ۳۶ تا ۴۵ و ۴۶۴-۴۶۵ و ۴۷۴ تا ۴۷۶). پرهیز از تکفیر و تفسیق که در جای جای کتاب آشکار است نیز شاهدهی بر این مدعاست.

۶. تنوع مضامین و ساختارهای بیانی که بعضی از مروجان معارف از آن محروم هستند.

۷. محوریت عقل در مباحث مؤلف. این نکته هم از جهت اصل

کتاب معارف و حیوانی / مجموعه‌ای از مقالات، درس‌گفتارها، گفت‌وگوها و مناظرات آیت‌الله سید جعفر سیدان است که انتشارات دلیل ما در اواخر سال ۱۳۹۲، در دو جلد و ۹۸۰ صفحه در هشتاد سالگی نویسنده آن انتشار داده است.

۲۳. بررسی روش تفسیری قرآن به قرآن در المیزان / ص ۵۸۵

۲۴. سازوکارهای گسترش فرهنگ نهج البلاغه پژوهی در حوزه / ص ۶۰۱

۲۵. کاوشی در تبلیغات دینی / ص ۶۰۷

۲۶. درباره شیخ هاشم قزوینی، میرزا جواد تهرانی، میرزا حسنعلی مرورید، میرزا علی فلسفی، سید عبدالکریم هاشمی نژاد، عزیزالله عطاردی / ص ۶۱۳

بخش سوم: مناظرات

۳۲. قلمرو عقل در دین / ص ۶۷۵

۳۳. توحید از دیدگاه مکتب وحی و فلاسفه / ص ۷۱۳

۳۴. نسبت عقل و وحی از دیدگاه فلسفه و مکتب تفکیک / ص ۷۴۷

۳۵. مسئله‌ای از معاد / ص ۸۴۳

نمایه‌ها

فهرست آیات / ص ۹۳۱

فهرست روایات / ص ۹۵۱

اعلام / ص ۹۶۱

منابع / ص ۹۷۱

[۴]

مروری کلی بر درونمایه کتاب

در یک تقسیم و بر مبنای محتوای نوشتارها می‌توان دورنمایی ارائه کرد:

۱. عقل به عنوان شاخص در معارف / گفتارهای ۱، ۲، ۸، ۲۱، ۳۴ و ۳۲.

۲. معرفی کلی مکتب معارف / گفتارهای ۱۴ تا ۲۰.

۳. نقد فلسفه / گفتارهای ۷، ۱۱ و ۱۳.

۴. توحید / گفتارهای ۳، ۴ و ۳۳.

۵. جبر و تفویض / گفتارهای ۵ و ۶.

۶. معاد / گفتارهای ۱۲ و ۳۵.

۷. معرفی و نقد کتاب‌های تفسیر و عقاید (المیزان، تفسیر مصباح الهدی، بیان الفرقان) / ۹، ۲۳ و ۲۲.

۸. شخصیت‌های علمی معاصر / ۲۶ تا ۳۱.

۹. رد وهابیت / گفتار ۱۰.

۱۰. بایسته‌ها و روش‌های تبلیغ دینی / گفتارهای ۲۴ و ۲۵.

[۵]

امتیازهای کتاب

۱. گردآوری ۳۵ نوشتار پراکنده در یک کتاب که بخشی از آنها در نشریات مختلف پراکنده بود و بعضی به صورت جزوه‌هایی در

۵. به برخی از آنها در آغاز مقاله اشاره شد.

۶. در نوشتار ۲۵ در باب آداب تبلیغ (ص ۶۰۷ تا ۶۱۲) گوشه‌ای از بایسته‌های تبلیغی را بیان کرده است که ناظر به تجربه‌های طولانی او در این زمینه است.

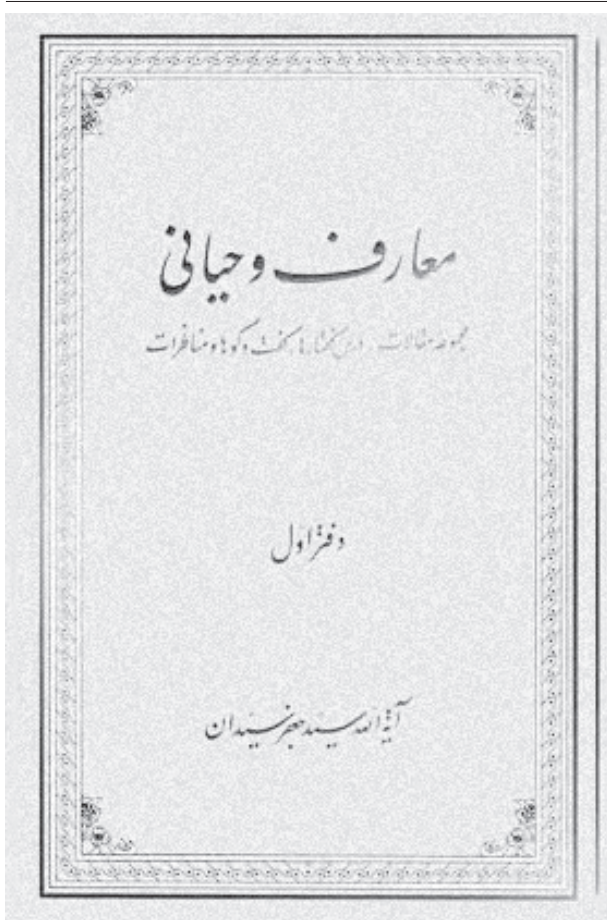
۷. ظاهراً مجموعه‌ای عنوان «جشن نامه استاد سیدان» درست تهیه است که در نوشتار ۲۲ کتاب معارف و حیوانی (ص ۵۵۹) بدان اشاره شده است. انتظار می‌رود که در آن مجموعه به این ویژگی‌ها بیشتر پرداخته شود.

گفتار ۳۵ در مناظره با آقای جوادی آملی است. گفتار هشت به عنوان یادداشت برای یک هفته‌نامه، گفتارهای ۱۳ تا ۳۱ و در پاسخ خبرنگاران و کارشناسان مجلات یا همایش‌های علمی بوده و دیگر موارد.

در این میان طبعاً تکرارهایی پیش می‌آید و انسجام و یکپارچگی مطالب آسیب می‌بیند.

این مشکل در مورد این‌گونه مجموعه‌ها هست. با این همه اگر تقسیم محتوایی رعایت شود که در بخش چهارم این مقاله اشاره شد، قدری به انسجام مطالب نزدیکتر می‌شویم؛ ضمن اینکه هر یک از این نوشتارها هویت مستقل دارند و هدف خاص خود را پی می‌گیرند.

۳. کتاب سه فهرست راهنما دارد: آیات، احادیث و اعلام. این فهرس به خواننده کمک می‌دهد، ولی مهم‌ترین ضرورت این‌گونه کتاب‌ها، به دلیل تنوع و پراکندگی مباحث، نمایه موضوعی است. البته این ضرورت هنوز در کتاب‌های اسلامی فارسی حس نشده است، از آن رو که رویکرد غالب این کتاب‌ها درسی است، ولی رویکرد پژوهش محور که دانشوران فرنگی به چنین متونی دارند، آنان را به ضرورت نمایه موضوعی کشانده تا در نگاه اول به مطلوب خود در میان صدها صفحه کتاب دست یابند.



مطلب مفید و کاربردی است و هم از آن رو که مکتب معارف متهم به دشمنی با عقل است. به همین دلیل مؤلف همواره دیگران را به تفکر در مطالب خود فرا می‌خواند و آمادگی خود را برای گفت‌وگو با دیگران اعلام می‌دارد.

۸. نظم در بیان مطالب که راه تفاهم و گفت‌وگو را هموار می‌سازد.

۹. استناد به منابع جدید در کنار منابع قدیمی در هر زمینه. این نکته نشان می‌دهد که نویسنده خود را از مطالعه و مباحثه جدید بی‌نیاز نمی‌داند و قرائت‌های جدید از اندیشه‌های پیشینیان را نیز در نظر دارد (رک به فهرست منابع، ص ۹۷۱-۹۷۹ و شماره‌های ۱۰، ۲۱، ۲۶، ۳۹، ۴۶ تا ۴۸، ۵۲، ۵۹، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۸۹، ۹۷، ۱۰۷، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۷ و ۱۲۰).

۱۰. نقل پرسش و پاسخ‌های آخر هر جلسه درسی مانند آنچه در نوشتار شماره هفت آمده است. این کار به توضیح و تبیین ابهام‌های نوشتار کمک می‌کند و بسا که پاسخ به پرسش‌های خوانندگان را نیز در بر داشته باشد.

۱۱. تواضع و واقع‌بینی نویسنده در این کتاب آشکار است. برای مثال در مورد ویژگی‌های اصولی میرزای اصفهانی به توضیحات کلی اکتفا کرده و نسبت به جزئیات آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند، از آن رو که آثار ایشان در باب اصول فقه را ندیده است (ص ۵۳۴-۵۳۵).

۱۲. این‌گونه مباحث سبب می‌شود که به تعبیر استاد محمدرضا حکیمی، «تقلید در فلسفه» جای خود را به «اجتهاد در فلسفه» بدهد^۱ و فضای نقد و بررسی علمی و پژوهشی در این زمینه گسترش یابد.

[۶]

پیشنهادهایی برای گام‌های آینده

۱. اکنون که این مجموعه نشر یافته، زمینه‌ای فراهم شده تا بخش‌هایی از آن به اقتضای مقام و نیاز به عنوان متن درسی یا کمک درسی در رشته‌های مربوط، به ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی مطرح شود. برای این کار برنامه‌هایی مانند اطلاع‌رسانی مناسب، تهیه خلاصه‌های گویا، معرفی کتاب و بخش‌های آن در جلساتی با حضور کارشناسان مفید است.

۲. جناب بیابانی در مقدمه کوتاه خود (ص ۱۰) به حق به این نکته اشاره کرده که مطالب این کتاب در موقعیت‌های مختلف، به شکل‌های متنوع و در فضاهای گوناگون بیان یا نوشته شده است.

این نکته کاملاً صحیح است و تذکره آن ضروری است. مثلاً گفتار یازده، رساله‌ای است به زبان عربی که مؤلف در مدینه نوشته است.

۱. اشاره به کتاب «اجتهاد و تقلید در فلسفه»، نوشته استاد محمدرضا حکیمی.

[۷]

سخن پایانی

دستیابی مرحوم میرزای اصفهانی به این مطالب پس از تسلط به مبانی رایج فلسفی و عرفانی، در پی توجهی ژرف به درونمایه حدیث شریف و متواتر ثقلین روی داده و رهاورد توسل علمی به مقام منیع ولایت مطلقه الهیه حضرت بقیه الله ارواحنا فداه بوده است.^۹

بدین روی باید ابراز شادمانی کرد از اینکه چنین مجموعه‌ای در آستانه هفتادمین سالگرد رحلت آن بزرگمرد فقید^{۱۰} انتشار یافته تا گوشه‌ای از یافته‌های نقادانه او را نشان دهد.

باید دانست که همان‌گونه که سرآغاز این مباحث با توسل علمی به ولی الله عجل الله فرجه رقم خورده، خلوص مباحث در آینده نیز موقوف به توسل مداوم به همان آستان آسمان سای الهی است. پس در آغاز و انجام هر بحثی در باب معارف اهل بیت، باید یاد شود از لطف پدران و نگاه ولایی آن امام موعود که درهایی از احسان معنوی بر آن دوستدار خالص خود گشود و به واسطه او همگان را بر این خوان علمی نشانند.

امید است این قدم‌های خالصانه در آستان بلند امام عصر عجل الله تعالی فرجه مقبول افتد.

محوریت عقل در مباحث مؤلف. این نکته هم از جهت اصل مطلب مفید و کاربردی است و هم از آن رو که مکتب معارف متهم به دشمنی با عقل است. به همین دلیل مؤلف همواره دیگران را به تفکر در مطالب خود فرا می‌خواند و آمادگی خود را برای گفت‌وگو با دیگران اعلام می‌دارد.

نمایه موضوعی کارکرد و جایگاهی دارد که حتی می‌تواند جایگزین نظم موضوعی چینش و فصل‌بندی شود. باید دانست که فهرست تفصیلی که در پایان هر دفتر آمده جایگزین نمایه نتواند بود. این نکته در منابع مربوط به نمایه‌سازی به تفصیل آمده است.

۴. در بعضی از نوشتارها به اقتضای مقام، اجمال یا تفصیلی رعایت شده است. در نتیجه برخی گفتنی‌ها ناگفته مانده یا بعضی توضیحات مفصل بیان شده است. از این منظر در مجموعه باید بازنگری انجام شود و این اجمال و تفصیل‌ها به حالت عادی برگردد. برای مثال به این موارد توجه شود:

الف) در نوشتار پنج که برای کنگره شیخ مفید نوشته شده می‌نویسد:

«جناب شیخ مفید در نهایت گفتار، بیان شیرینی دارند که به جهت اختصار، از نقل آن صرف نظر می‌شود» (ص ۱۷۶)

طبعاً نشر این کتاب و بازنگری نوشتار پیشین، فرصتی پیش می‌آورد که چنین مطلبی نقل شود.

ب) مقدمه‌ای که در صدر گفتار شش آمده (ص ۱۷۷) شامل توضیحی است در این مورد که چرا مؤلف درس‌هایی در مدرسه آیت الله گلپایگانی داشته است. این مقدمه برای سلسله جزوات پیشین لازم بوده و برای این مجموعه ضرورت ندارد.

ج) نکته مورد اشاره در گفتار ۲۲ و ۲۸ رعایت شده و در پانویس نکات و مطالب به بیانات استاد افزوده‌اند. (ص ۵۷۶ تا ۵۷۸ و ۵۸۱ و ۶۳۶ تا ۶۳۸).

۵. معمولاً در صدر چنین مجموعه‌هایی مقدمه‌ای. گرچه کوتاه. از نویسندگان می‌آید تا روشن شود که چینش، گزینش و ویرایش مجموعه با هماهنگی یا زیر نظر او انجام شده است. تهی بودن مجموعه از چنین مقدمه‌ای نقطه ضعفی برای کتاب است.

۶. گرچه گروهی از خوانندگان این کتاب به ترجمه فارسی یک متن عربی نیاز ندارند، اما با توجه به گروهی از خوانندگان متوسط بد نیست که ترجمه فارسی رساله الفوائد النبویة (شماره ۱۱) پس از متن اصلی آن آورده شود. این کار فایده و امکان بهره‌وری از کتاب را بیشتر می‌کند؛ به ویژه از آن رو که این رساله، تفصیلی نسبتاً متوسط است از نکته‌ای که نویسندگان در جاهای دیگر (ص ۲۰۵، ۴۶۲ و ۴۶۳). در حدّ طرح بحث و بطور اجمال و بدون استناد. مطرح کرده است.

۹. براین نکته باید تکرار و تأکید شود که بیان این حقیقت به معنای مصون از خطاب‌بودن یا غیرقابل بررسی بودن یا بی‌منع بودن یا غیراستدلالی بودن این مطالب نیست. خیر، تمام مطالب بر اساس استدلال و با مبانی رایج فقه‌ای شیعه بحث و بررسی شده، اما فطانت مرحوم میرزا که نتیجه توسل‌های علمی او بوده، وی را به نکاتی ظریف در لایلهای متون حیوانی دلالت کرده که دیگران بدان اشاره نکرده یا به بیان اجمالی از آن گذشته‌اند.

۱۰. مرحوم میرزای اصفهانی در ۱۹ ذیحجه ۱۳۶۵ قمری رحلت کرده است.